



مولانا حلال الدین محمد بلخی

نثر و شرح ثنوی



موسی نثری

بامقدمه دکتر توفیق ه. سبحانی

دفتر اول و دوم



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسی

سرشناسه: نشر، موسی، ۱۳۶۱-۱۳۳۲.

عنوان و نام پدیدآور: نشر و شرح مثنوی جلال‌الدین محمد بلخی (مولانا)/ موسی نشر؛ همراه با گفتار دکتر توفیق سبحانی

مشخصات نشر: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ج ۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۲۴۱-۱

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۲۴۴-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا

موضوع: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی -- نقد و تفسیر

موضوع: Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn Mohammad. 1207

1273. masnavi -- criticism and Interpretation

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۷ ق. -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian Poetry -- 13th century History and criticism

شناسه افزوده: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی. شرح

ردیف کنگره: ۱۳۹۵ ن ۲ / ۵۳۰۱ PIR

ردیف دیوبند: ۸۱/۳۱

مارف کتبشناسی ملی: ۴۲۸۷۸۱۱



■ نشر و شرح مثنوی (دفتر اول و دوم)

موسی نثری مقدمه دکتر توفیق. ه. سبحانی

ویرایش: مینا غرویان

آماده‌سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

طراحی گرافیک: پرویز بیانی

نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۶، ۱۰۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.

هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای زاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقه دوم، تلفن، ۶۴۴۷۷۴۰۵

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

@ketabeparseh

مقدمه

اگر قرآن را که یک کتاب آسمانی است با گفتار انمه علیهم السلام کنار بگذاریم، از موقعی که بشر برای حفظ افکار خود خط را به وجود آورده و تألیف کتاب تعمیم یافته، حکما و بزرگان و شعرا و نویسندگان عقاید و نظریات و نتیجه افکار خود را به صورت کتاب به جامعه بشری عرضه داشته‌اند تاکنون کتابی در موضوع اخلاق بشری و کمال انسانی وزین‌تر، پرمایه‌تر، مفیدتر و بهتر از مثنوی مولوی به عالم بشریت عرضه نشده است.

این کتاب نه تنها بر آثار تمام حکما و شعرا و علمای تربیت اخلاق ترجیح دارد بلکه اگر بهترین کتاب‌هایی را که سایرین از هر قوم و ملتی در هر قرن و زمانی نوشته‌اند [در نظر گرفته] با مثنوی مولوی مقایسه نماییم خواهیم دید که فرق آن‌ها با این کتاب از زمین تا آسمان است.

حضرت مولوی در این کتاب بی‌مانند با بیانی شیرین و منطقی دل‌چسب، در ضمن افسانه‌ها و قصه‌های متعدد، نکات و دقایقی از اخلاق عمومی و معارف عالی الهی گنجانیده است که نظیر آن را

در هیچ کتاب اخلاقی و تربیتی و روان‌شناسی نمی‌توان پیدا کرد. این کتاب شاهکاری است که قریحه بشریت برای اصلاح و تعدیل اخلاق و ایجاد کمال نوع بشر به وجود آورده، روح و جسم، دین و دنیا، عواطف روحانی و تمایلات جسمانی را در خوانندگان خود توأما رشد و نمو داده، از افراط و تفریط جلوگیری می‌کند. به این جهت این کتاب هر چه بیش‌تر منتشر شده و هر اندازه مطالب آن ساده و روشن و نزدیک به فهم عموم باشد به حال جامعه مفیدتر خواهد بود.

و همین نظریه است که نگارنده را وادار نمود تا اشعار این کتاب را به نظیر را به نشر ساده بنگارد.

مشکلات موجود در مثنوی مولوی

مثنوی مولوی را این که مشتمل بر مطالب عالی‌ه عرفانی و شرح عوالم ماوراءالطبیعه و بیان دقائقی از شناسایی نفس و روح و اخلاق بشری است به قدری که به نظر ساده و نزدیک به فهم منظوم شده و آنچه فهم این کتاب را تا اندازه‌ای مشکل نموده قطع نظر از علو موضوع و دقیق بودن مطالب دو چیز است:

اول - [وجود] بعضی لغات فارسی و ترکی مصطلح در زمان مولوی [است] که اکنون متروک شده. بعضی جمله‌های عربی که در آن گنجیده است.

دوم - اختصار و تقدیم و تأخیر جمله‌ها که برای ضرورت شعر به وجود آمده است.

برای رفع اشکال اولی، لغات این کتاب را بعضی از علاقه‌ندان به مثنوی در حاشیه یا آخر کتاب معنی کرده‌اند و این اشکال تقریباً رفع شده است و برای رفع اشکال دوم، بعضی از دانشمندان حواشی بر مثنوی نوشته و بعضی از اشعار را توضیح و تفسیر نموده‌اند، ولی علاوه بر این که این تفسیر هم ناقص و شامل قسمتی از اشعار است بعضی از مفسرین مطالب کتاب را بر طبق مشرب و سلیقه خود با فلسفه حکمای الهی تطبیق نموده برای شرح مطالب متوسل به اصطلاحات فلسفی شده‌اند، و در نتیجه، علاوه بر این که از بیان مقصود اصلی دور مانده‌اند اشکال

مطالب پیش تر شده است. البته حضرت مولوی با فلسفه سروکار نداشته و دربارهٔ فلاسفه اظهار عقیده نموده می گوید:

فلسفی گوید ز معقولات دون عقل از دهلیز می ماند برون
فلسفی منکر شود در فکر و ظن گو برو سر را بر آن دیوار زن

مثنوی مولوی در مادیات و محسوسات حس خوانندگان را راهنمایی کرده و در معقولات و مراحل فوق الطبیعه با کشف و شهود سروکار دارد و برای قضایای فلسفی و استدلال و اقامه برهان که شیوهٔ فلاسفه است تیمتی قائل نیست و معتقد است که

ی اسد لایان چوبین بُود پای چوبین سخت بی تمکین بُود

مولوی با این امثال مجازآمیز خود آنچه را می گوید در جلو چشم مجسم کرده به مردم نشان می دهد و قائل به دیدن و یافتن و رسیدن و شدن است. اگر از گل نام برد خطر طبع آن را به شامهٔ طرف رسانده و رنگ دلپذیر آن را در جلو چشم مجسم می کند، و اگر اسم دریا ببرد صدای امواج خروشانش به گوش می رسد. مولوی وقتی از عواطف درونی شما سخن می گوید شما دقایقی از عواطف خود احساس می کنید که قبلاً متوجه آن نبوده اید؛ اگر راجع به اخلاق صحبت می کند، مثلاً از بدی حسد سخن به میان آورد، به اندازه ای در روشن کردن مقصود استاد است که شما بدی حسد را درک کرده و حس تنفر نسبت به این عادت بد در ضمیر خود احساس می کنید. این شخصیت بزرگ آنجا که طاهر است سخن می گوید ولی در واقع دست انسان را گرفته به هر جا که می خواهد می برد و آنچه را که می خواهد نشان می دهد.

مولوی برای براهین خشک و بی روح فلاسفه ارزشی قائل نیست. بنابراین، تفسیر کلمات او و تطبیق آن با اقوال حکما تفسیری است که صاحبش راضی نبوده بلکه از آن بیزار است.

غرض از به نثر درآوردن مثنوی

به عقیدهٔ این جانب تفسیر اشعار مثنوی برای کسانی که شخصیت الهی

نداشته و لااقل هم سنگ این مرد بزرگ نیستند باعث انحراف از راه مقصود یا پایین آوردن سطح مطالب عالیه خواهد بود، بنابراین، غرض این جانب تفسیر اشعار مولوی نبوده، [بلکه] تنها چیزی که در نظر گرفته‌ام این است که اشعار مولوی با عبارت ساده به نثر تبدیل شود، و حتی سعی شده است که به قدر امکان عبارت نثر هم نزدیک به عبارت اشعار باشد و فقط لغات غیر مأنوس فارسی و غیره و جمله‌های عربی آن به لغات مأنوس و جمله‌های فارسی ترجمه شده به طوری که هر فارسی‌زبانی به اندازه فهم خود می‌تواند از آن استفاده نماید؛ و در هر جا که ضرورت شعر باعث اختصار یا تقدیم و تأخیر جمله‌ها شده عین همان معنی مفصل‌تر از عبارت شعر منظوم با جمله‌های ساده و روان به قالب الفاظ ریخته شده و نیز اغلب از اشعار الحاقی مثنوی را از قلم انداخته و به در آن بادرت، نشده است؛ ضمناً در بعضی اشعار که اشاره به آیه‌ای از آیات قرآن است، سرچینی شده، آن آیه یا حدیث عیناً در ذیل صفحات درج شده است.

البته مدعی نیستم که بهر و خطا یا اشتباهی در ترجمه این کتاب [به نثر] نشده است؛ و مخصوصاً از دانشمندان معظم که این کتاب را مطالعه می‌کنند استدعا دارم هر جا به اشعار یا لغزشی که از طرف من شده باشد برخوردند لطفاً نگارنده را مطلع فرمایند تا در چاپ‌های بعد اصلاح شود.

تیرم ۱۳۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷

موسی نثری